

Islamic Knowledge and Insight

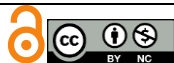
Presenting an Islamic Model of Good Morality and Explaining Its Educational Implications with Emphasis on the Verses of the Qur'an

1. Masoumeh Kasaei: PhD Student, Department of Educational Sciences, Ar.C., Islamic Azad University, Arak, Iran
2. Seyed Jalal Hashemi*: Department of Educational Sciences, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. (Email: J.hashemi@scu.ac.ir)
3. Nasrin Ghanbari: Department of Educational Sciences, Y.I.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abstract

This study was conducted with the aim of presenting an Islamic model of good morality (ḥusn al-khuluq) and explaining its educational implications. The present research employed the methods of conceptual analysis, grounded theory, and inferential analysis to examine the subject. The findings (based on the verses of the Qur'an) indicate that the causal factors of good morality include divine mercy, the criterion of perfection, superior moral virtue, teaching and purification, and justice. The contextual conditions include good-temperedness, avoidance of dispute, justice-seeking, forgiveness, and affection. The intervening and mediating factors include good conduct, patience and forbearance, benevolence, altruism, and honoring others. The strategies for achieving good morality include generosity, benevolent behavior, avoidance of quarrel, anger control, cheerfulness, virtue orientation, teaching and purification, honoring and altruism, justice, forgiveness, and kindness. The consequences of good morality are attaining perfection, transforming enmity into friendship, and attracting divine mercy. The conceptual model of teaching good morality, developed through inferential analysis, includes: 1) Educational principles such as divine mercy, divine affection, divine justice, God's hearing and seeing, faith and righteous deeds, striving for perfection, human dignity, and belief in the Resurrection; and 2) Educational methods, which were extracted and explained as effective ways of cultivating good morality in humans. This study, by presenting a systematic Islamic model for moral education, demonstrates the key role of good morality in achieving personal and social perfection based on Qur'anic teachings.

Keywords: *model, good morality, Qur'anic model, educational implications.*



How to cite: Kasaei, M., Hashemi, S. J., & Ghanbari, N. (2026). Presenting an Islamic Model of Good Morality and Explaining Its Educational Implications with Emphasis on the Verses of the Qur'an. *Islamic Knowledge and Insight*, 4(1), 1-20.

© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 24 May 2025

Revise Date: 16 September 2025

Accept Date: 23 September 2025

Publish Date: 25 October 2025

معرفت و بصیرت اسلامی

ارائه الگوی اسلامی حُسن خُلق و تبیین دلالت‌های تربیتی آن با تأکید بر آیات قرآن

۱. معصومه کسایی: دانشجوی دکتری گروه علوم تربیتی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران
۲. سیدجلال هاشمی*: گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. (پست الکترونیک: J.hashemi@scu.ac.ir)
۳. نسرین غنباری: گروه علوم تربیتی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

این پژوهش با هدف ارائه الگوی اسلامی حُسن خُلق و تبیین دلالت‌های تربیتی آن انجام گردید. پژوهش حاضر با به‌کارگیری روش‌های تحلیل مفهومی، نظریه‌پردازی داده‌بنیاد و تحلیل استنتاجی به بررسی موضوع پرداخت. یافته‌ها (بر اساس آیات قرآن کریم): عوامل علی حُسن خُلق شامل: رحمت الهی، معیار کمال، فضیلت اخلاقی برتر، تعلیم و تزکیه، و عدالت، شرایط زمینه‌ساز شامل: خوش اخلاقی، پرهیز از مجادله، عدالت‌ورزی، بخشش و محبت. عوامل واسطه‌ای و مداخله‌گر شامل: حُسن برخورد، صبر و شکیبایی، احسان، ایثار و اکرام. راهبردهای تحقق حُسن خُلق شامل: سخاوت، رفتار نیکو، اجتناب از جدال، کنترل خشم، خوش‌رویی، فضیلت‌گرایی، تعلیم و تزکیه، اکرام و ایثار، عدالت، بخشش و مهرورزی. پیامدهای حُسن خُلق نیز عبارتند از: دستیابی به کمال، تبدیل دشمنی به دوستی، و جلب رحمت الهی. الگوی مفهومی آموزش حُسن خُلق با استفاده از روش تحلیل استنتاجی شامل ۱- اصول تربیتی شامل: رحمت خداوند، مودت الهی، عدل الهی، سمیع و بصیر بودن خدا، ایمان و عمل صالح، کمال‌جویی، کرامت انسانی و اعتقاد به معاد. ۲- روش‌های تربیتی شامل: شیوه‌های مؤثر در پرورش حُسن خُلق در انسان‌ها استخراج و تشریح شد. نتیجه‌گیری: این پژوهش با ارائه الگوی نظام‌مند اسلامی برای تربیت اخلاقی، نقش کلیدی حُسن خُلق را در تحقق کمال فردی و اجتماعی بر اساس آموزه‌های قرآنی نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌گان: *الگو، حُسن خُلق مطلوب، الگوی قرآنی، دلالت‌های تربیتی.*

شیوه‌استاددهی: کسایی، معصومه، هاشمی، سیدجلال، و غنباری، نسرین. (۱۴۰۵). ارائه الگوی اسلامی حُسن خُلق و تبیین دلالت‌های تربیتی آن با تأکید بر آیات قرآن، معرفت و بصیرت اسلامی، ۴(۱)، ۱-۲۰.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۳ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۲۵ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱ مهر ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۳ آبان ۱۴۰۴

مقدمه

اساساً یکی از مهم ترین معضلات و مشکلات بشری در تمام ابعاد تربیت، ناشی از وضعیت نابهنجار اخلاقی جوامع است. به عبارت دقیق تر، یکی از عوامل بحران را در مسائل اجتماعی، احساس محرومیت از استکمالات معنوی و اخلاقی است. اگر دیده می شود که جامعه دچار فساد در تربیت جنسی و تربیت اجتماعی است، دلیل آن غافل شدن از تربیت اخلاقی است. اگر این سنگ بنا (تربیت اخلاقی) به خوبی پایه گذاری شود، می توان امیدوار بود که در سایر ابعاد تربیت سرفرازی و موفقیت حاصل شود. فراگیری و شناختن و شناساندن فضایل و رذایل و ایجاد زمینه برای روی آوردن به فضایل و به کار بستن سازوکارها و شیوه های ایجاد و تثبیت فضایل و نیز زایل ساختن رذایل، به منظور نیل به کمال و سعادت جاودانه به اعتقاد علامه مصباح یزدی، انحطاط اخلاقی مردم یک جامعه در نابسامان کردن آن جامعه نقش بسیار مهمی دارد. ایشان در این زمینه می فرمایند: «انحطاط فرهنگی و سقوط معنوی و اخلاقی بخش معتابیهی از مردم می تواند در نابسامان ساختن وضع معیشتی و اقتصادی جامعه و به تباهی کشاندن نظام حقوقی و سیاسی حاکم بر جامعه تأثیر قاطع داشته باشد» (Mesbah Yazdi, 2022).

رعایت اصول و فروع اخلاقی در تعاملات انسانی عامل قوام بخش زندگی اجتماعی است. در دین مبین اسلام به موضوع اخلاق اهمیت فراوانی داده شده است، به طوری که پیامبر اکرم (ص) یکی از اهداف رسالت خود را تکمیل مکارم اخلاق ذکر نموده است. مطابق این رسالت، انسان مسلمان باید همواره در جهت رشد و تکمیل فضایل اخلاقی خویش تلاش کند و در تأمین سلامت روحی و روانی خود و دیگران بکوشد. از فضایل اخلاقی مورد تأکید در اسلام حُسن خُلق است. خداوند سبحان در قرآن کریم^۱ (آل عمران سوره ۳/ آیه ۱۵۹) جذب دل های مردم را نتیجه حسن خلق و نرم خویی پیامبر اکرم (ص) دانسته است. حسن خلق از بهترین نیکی ها شمرده شده^۲ که اگر بصورت انسان دیده می شد، هیچ چیز زیباتر از آن نمی بود^۳. این صفت از رحمت الهی بوده^۴ و بهترین چیزی است که به بنده مؤمن داده شده است^۵. حسن خلق مایه میمنت و برکت^۶، رشد^۷ و سعادت انسان^۸ است که در روایات از آن به عنوان نیمی از دین^۹ و ایمان^{۱۰}، خیر دنیا و آخرت^{۱۱}، و مایه تقرب به خداوند متعال^{۱۲} یاد شده است. این صفت چنان جایگاهی در زندگی دارد که اگر انسان اثرات آن را بداند، بدان احساس نیاز خواهد کرد^{۱۳}. پیامبر اکرم (ص) همواره تأکید داشته اند که بهترین شما، خوش اخلاق ترین شماست^{۱۴}. حتی

۱ - فَمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَئِنْ لَمْ يَكُنْ لَوْ كُنْتَ قَطًّا غَلِظَ الْقَلْبُ لَانْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ - به سبب رحمت خداست که نسبت به آنان مهربانی می کنی و اگر تندخو و سنگدل بودی از اطراف تو پراکنده می شدند پس آنان را ببخش و برایشان آمرزش بخواه و امر را به آنان نشان ده. آل عمران سوره ۳/ آیه ۱۵۹

۲ - إِنَّ أَحْسَنَ الْحَسَنِ الْخُلُقُ الْحَسَنُ (مسند الشهاب، ج ۲، ص ۱۰۸، ح ۹۸۶، الخصال، ص ۲۹، ح ۱۰۲).

۳ - رسول الله (ص) لو كَانَ حَسَنُ الْخُلُقِ خَلَقًا يَرَى، مَا كَانَ مِمَّا خَلَقَ اللَّهُ شَيْءٌ أَحْسَنَ خَلَقًا مِنْهُ وَ لَوْ كَانَ الْخُرْقُ خَلَقًا يَرَى، مَا كَانَ مِمَّا خَلَقَ اللَّهُ شَيْءٌ أَقْبَحَ مِنْهُ (الزهد، ص ۸۸، ر، ک، الکافی، ج ۲، ص ۱۲۰، ح ۱۳ و ص ۳۲۱، ح ۲).

۴ - رسول الله (ص) الخلق الحسن زمام من رحمه الله (الجامع الصغير، ج ۱، ص ۶۳۷).

۵ - رسول الله (ص) خَيْرٌ مَا أُعْطِيَ الرَّجُلُ الْمُؤْمِنُ خُلُقٌ حَسَنٌ وَ شَرٌّ مَا أُعْطِيَ الرَّجُلُ قَلْبٌ سَوْءٌ فِي صُورِهِ حَسَنٌ (المصنف، ج ۲، ص ۹۰، ح ۱۸، ر، ک، الخصال، ص ۳۰، ح ۱۰۷).

۶ - رسول الله (ص): اليمن حسن الخلق (مسند الشهاب، ج ۱، ص ۶۶، ح ۵۴).

۷ - رسول الله (ص): حسن الخلق نماء (المسند ابن حنبل، ج ۵، ص ۴۴۱، ح ۴۱۶۲).

۸ - رسول الله (ص): من سعاده المرء حسن الخلق (مسند الشهاب، ج ۱، ص ۱۹۹، ح ۳۰۰، ر، ک، مشكاة الانوار، ص ۳۹۳، ح ۱۲۹۳).

۹ - قال النبي (ص): حسن الخلق نصف الدين.

۱۰ - رسول الله (ص): حسن الخلق نصف الايمان (الخصال، ص ۳۰، تاريخ البغداد، ج ۱۲، ص ۱۱). امام صادق (ع): من الايمان حسن الخلق و اطعام الطعام (الکافی، ج ۴، ص ۵۰، ح ۲).

۱۱ - قالت أم سلمة لرسول الله (ص): بأبي أنت و أمي، المرأة يكون لها زوجان فيموتان فيدخلان الجنة لأيهما تكون؟ قال: يا أم سلمة! تخير أحسنهما خلقاً و خيرهما لأهلها، يا أم سلمة! إن حسن الخلق ذهب بخير الدنيا و الآخره (ثواب الأعمال، ص ۲۱۵، الخصال، ص ۴۲، روضه الواعظين، ص ۳۷۶، بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۱۹، ح ۷).

۱۲ - امام سجاده (ع): ان اقربكم من الله اوسعكم خلقاً (الکافی، ج ۸، ص ۶۹).

۱۳ - رسول الله (ص): لو يعلم الخلق ما له في حسن الخلق لعلم انه يحتاج الى أن يكون له حسن الخلق (صحيفه الامام الرضا (ع)، ص ۱۵۰، ح ۸۵).

۱۴ - عبدالله بن عمرو: لم يكن رسول الله (ص) فاحشاً و لامتفحشاً و انه كان يقول: إن خياركم أحاسنكم أخلاقاً (صحيح البخاري، ج ۵، ص ۲۲۴۵، ح ۵۶۸۸، مكارم الاخلاق، ج ۱، ص ۶۲، ح ۵۵).

یکی از شاخص‌های کمال ایمان، همین صفت شمرده شده^۱، که در میزان قیامت هیچ چیز سنگین تر از آن نیست^۲. در طرف مقابل، از سوء خلق به عنوان یک امر شوم یاد شده^۳ و افراد بد اخلاق بدترین مردم دانسته شده اند^۴.

اصطلاحی اخلاقی به معنای خوی خوش و اخلاق و برخورد نیکو با دیگران و از فضایل اخلاقی که در روایات معصومین ستایش شده است. امام صادق (ع) حسن خلق را یکی از ۱۰ صفت انبیای الهی بر شمرده است. در روایات امامان شیعه برای این فضیلت اخلاقی آثار دنیوی و اخروی فراوانی بر شمرده شده که برخی از آن‌ها عبارتند از: جبران کمبود عبادت، افزایش رزق، جلب محبت و ایجاد لطافت در گفتار.

حُسن خلق (به عربی: حسن الخلق) ترکیب اضافی به معنای نرم خویی و خوش گفتاری و گشاده رویی در برخورد با دیگران است (Naraq, 1998) اما معانی دیگری نیز برای آن آورده اند از جمله:

۱- اعتدال در قوای عقلی و غضبی و شهوانی که درون فرد را از انوار افاضات علوم و معارف الهی، درخشان و اعضای او را به طاعات و وظایف مشغول می‌کند. این حالت درونی با علاماتی همچون معاشرت نیکو با مردم و بروز صفاتی مانند خوش برخوردی، محبت، راستی و... شناخته می‌شود. در این معنی، حُسن خلق تابع استقامت تمام اعضای ظاهری و باطنی و زیبایی صورت درونی انسانی در اثر این تناسب اخلاقی است (Mazandarani, 2003). همانطور که حسن ظاهری با زیبایی و تناسب همه اعضا محقق می‌شود، حسن خلق که زیبایی باطنی است نیز با زیبایی همه صفات و اخلاق محقق می‌شود (Mazandarani, 2003).

۲- اینکه فرد همتی جز خدا نداشته باشد و جلوه الهی را مشاهده کند و جفای خلق را به آن انگیزه تحمل نماید (Warram ibn Abi Firras, 1989).

خداوند در آیه ۴ سوره قلم می‌فرماید: «وَ أَنْتَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ»؛ «و تو اخلاق عظیم و برجسته ای داری». «خُلُق» (بر وزن افق) مفرد است، و با خلق (بر وزن قفل) یک معنی دارد، و به طوری که از مفردات راغب استفاده می‌شود با خُلُق (بر وزن حُلُق) ریشه مشترک دارد منتها «خُلُق» به صفات ظاهری گفته می‌شود، و «خُلُق» و «خُلُق» به صفات درونی. بعضی از ارباب لغت «خُلُق» و «خُلُق» را به معنی دین و طبیعت و سبیه تفسیر کرده اند و آن را صورت باطنی انسان می‌دانند (Ibn Manzur, 1993).

قرآن کریم، پیامبر اکرم (ص) را با اخلاق عظیم که بسیار زیبا است می‌ستاید (قلم، آیه ۴). و خدای متعال، علت برتری آن حضرت بر سایر انبیا را حسن خلق می‌داند (Deylami, 1991).

خداوند در آیه ۸۳ سوره بقره، در مقام اخذ یک پیمان الهی، بنی اسرائیل را مورد خطاب قرار داده و بعد از تأکید بر توحید خالص، احسان به پدر و مادر، خویشاوندان، یتیمان و مسکینان، می‌فرماید: (با مردم نیکو سخن بگوئید، و نماز را بر پا دارید و زکات بدهید)؛ «و قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ». قرار گرفتن جمله «قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» در میان پیمان‌های مربوط به توحید، نیکوکاری، بر پا داشتن نماز و پرداخت زکات، بیانگر اهمیت حسن برخورد، نسبت به مردم است، و به این ترتیب خوش خویی و برخورد خوب با توده مردم، هم ردیف مهمترین و اساسی ترین دستورات اسلام قرار گرفته است.

در واقع چون دارایی انسان محدود است نمی‌تواند همه دوستان و نیازمندان را با آن بی‌نیاز کند، دستور به حسن خلق، دستور به بذل

^۳ - رسول الله (ص): یا علی! سوء الخلق شؤم (کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۶۳، ح ۸۲۱، السنن ابی داود، ج ۴، ص ۳۴۱، ح ۵۱۶۲).

^۴ - رسول الله (ص): سوء الخلق شؤم و شرارکم أسوء کم خلقاً (تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۲۷۶، ح ۱۲۱۴).

^۱ - عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر (ع) قال: إن أكمل المؤمنين إيماناً أحسنهم خلقاً (الكافي، ج ۲، ص ۹۹، ح ۱).

^۲ - عن علي بن الحسين (ع) قال: قال رسول الله (ص): ما يوضع في ميزان امرئ يوم القيامة أفضل من حسن الخلق (همانجا، ح ۲).

معنی بارها و بارها تجربه شده است (Makarim Shirazi, 1998).

خداوند در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ»؛ (به [برکت] رحمت الهی، در برابر آنان [مردم] نرم و [مهربان] شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می شدند، پس آن‌ها را ببخش و برای آن‌ها آموزش بطلب، و در کارها، با آنان مشورت کن! اما هنگامی که تصمیم گرفتی، [قاطع باش و] بر خدا توکل کن! زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد.

در این آیه، دو واژه «فَظًّا» و «غَلِيظَ الْقَلْبِ» هر دو به معنی تأکید هستند یا دو معنی متفاوت؟ مرحوم «طبرسی» در «مجمع البیان» در تعبیری جالب و جامع می‌نویسد: «بعضی گفته اند جمع بین این دو وصف با این که هر دو از نظر معنی قریب الافق هستند به خاطر این است که «فَظًّا» معمولاً در مورد خشونت در سخن به کار می‌رود، و «غَلِيظَ الْقَلْبِ» در مورد خشونت در عمل که ناشی از سنگدلی است. بنابراین هر دو به معنی خشونت است، ولی یکی به معنی خشونت در سخن، و دیگری خشونت در برخورد عملی است» (Makarim Shirazi, 1998).

آیه ۱۵۹ سوره آل عمران، «حسن خلق» را به عنوان یکی از ویژگی‌های اخلاقی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، و یکی از عوامل پیشرفت او در جامعه اسلامی ذکر کرده، و می‌فرماید: (به خاطر رحمت الهی در برابر آن‌ها نرم و مهربان شدی، و اگر خشن و سنگدل بودی از اطراف تو پراکنده می شدند)؛ «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ». بنابراین خلق و خوی نیکوی پیامبر (صلی الله علیه و آله) یک رحمت الهی درباره او و درباره تمام امت بود. و به یقین این نرمش، مهربانی، حسن و خلق در هر انسانی، مایه رحمت و برکت است.

آیه ۴ سوره قلم، با اشاره به حسن خلق عجیب پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) از آن به اخلاق عظیم تعبیر کرده و می‌فرماید: «وَأَنَّكَ

سرمایه ای، بی پایان و فناپذیر است، همان گونه که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در حدیث معروفی می‌فرماید: «أَنْتُمْ لَا تَسْعَوْنَ النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ وَلَكِنْ يَسْعَهُمْ مِنْكُمْ بَسْطُ الْوَجْهِ وَحُسْنُ الْخُلُقِ» (متقی الهندی، ۱۴۰۱ق: ۱۳)؛ (شما نمی‌توانید همه مردم را با اموال خود راضی کنید، ولی خوش رویی و حسن خلق از سوی شما همه را شامل می‌شود و خشنود می‌سازد). امام باقر (علیه السلام) در تفسیر این آیه می‌فرماید: «قُولُوا لِلنَّاسِ أَحْسَنَ مَا تُحِبُّونَ أَنْ يَقَالَ لَكُمْ» (Bahrani, 1995)؛ (به مردم بهترین سخنانی را بگوئید که دوست دارید به شما گفته شود). درست است که مخاطبین این آیه بنی اسرائیل هستند، ولی هدف قرآن از ذکر آن بیان یک اصل کلی برای همه است.

بر اساس آیات ۴۳ و ۴۴ سوره طه، دستور خوش رویی و برخورد خوب با افراد، شامل دشمنان نیز می‌شوند، مخصوصاً در مقام دعوت آن‌ها به سوی حق، از این رو هنگامی که حضرت موسی (علیه السلام) مأمور می‌شود پیام الهی را به فرعون برساند، طغیانگری که بنی اسرائیل را به بردگی کشانده، با این خطاب مواجه می‌شود: (تو و برادرت هارون به سوی فرعون بروید که طغیان کرده است، اما به نرمی با او سخن بگوئید شاید متذکر شود یا [از خدا] بترسد)؛ «اذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ * فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا * لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ». این تعبیر نشان می‌دهد که اگر امر به معروف و نهی از منکر و دعوت به سوی حق، همراه با نرمش و برخورد محبت آمیز باشد، امید می‌رود که در سنگدل ترین افراد نیز اثر بگذارد. در تفاوت بین «يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ»، می‌توان گفت، اگر شما با سخنان نرم و ملایم با او روبرو شوید، لکن با صراحت و قاطعیت سخن بگوئید، ممکن است با پذیرش دلایل منطقی، از اعماق جان ایمان بیاورد، و چنانچه ایمان نیاورد، ممکن است از ترس مجازات الهی از مخالفت و کارشکنی در طریق ایمان دیگران دست بردارد.

بدیهی است، مخاطبان آیه گرچه موسی و برادرش هارون می‌باشند، لکن مفهوم آیه شامل تمام مبلغان دین و آمران به معروف و ناهیان از منکر می‌شود، و آنقدر که انسان، با ادب، متانت و نرمی می‌تواند هدایت گر باشد، با خشونت و درشتی نمی‌تواند هادی باشد، و این

لَعَلَّی خُلِقَ عَظِیمٌ». نکته ای در این آیه شایسته دقت است، بعضی از مفسران از تعبیر «علی» در «أَنَّكَ لَعَلَّی خُلِقَ عَظِیمٌ» و با توجه به مفهوم سلطه در «علی»، چنین استفاده کرده اند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) تسلط کاملی بر فضائل اخلاقی داشت، آن چنان که این فضائل جزئی از وجود او را تشکیل داده، و بدون تکلف آن‌ها را ظاهر می ساخت (Fakhr al-Din al-Razi, 1999).

در دین مبین اسلام، در آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السّلام به عملیاتی که طی آن انسان نفس خود را از اخلاق بد و ناپسند پاک و مبرا می سازد، تزکیه می گویند. در لغت هم همین معنا وجود دارد چنان چه در کتاب مجمع البحرین آمده است: «التَّزْكِيَةُ التَّطْهِيرُ مِنَ الْأَخْلَاقِ الذَّمِيمَةِ.../ تزکیه پاک شدن از اخلاق ذمیمه و ناپسند است»^۱.

در قرآن کریم آیات زیادی وجود دارد که مسأله تزکیه (پاک نمودن) نفس را به طور جدّی مطرح کرده است، که این خود اهتمام بالای خدای متعال را نسبت به کسب اخلاق نیکو و پیراستن خلق‌های نکوهیده از سوی انسان‌ها، نشان می دهد. به عنوان نمونه در سوره شمس می فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا * وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا». هر کس نفس خود را پاک و تزکیه کرده، رستگار شده * و آن کس که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته، نومید و محروم گشته است.^۲ در بعضی از آیات قرآن بحث تعلیم و تزکیه با هم آمده و در بیشتر آن‌ها خدای متعال پیش از طرح مسأله تعلیم و آموزش، به بیان تزکیه نفس پرداخته است. از این آیات، هم اهمّیت تزکیه نفس آشکار می شود و هم از طرفی می توان استفاده کرد که تعلیم بدون تزکیه در مقام بندگی و کمال انسان اثر مطلوبی نخواهد داشت. خدای عزّ و جلّ می فرماید: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يَزَكِّيهِمْ وَ يَعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنَّ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ». خداوند بر مؤمنان منت

نهاد [نعمت بزرگی بخشید] هنگامی که در میان آن‌ها، پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آن‌ها بخواند، و آن‌ها را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد هر چند پیش از آن، در گمراهی آشکاری بودند.^۳ آری هدف اصلی از تعلیمات انبیاء و اولیاء همان تزکیه است و تزکیه راه سعادت و رستگاری بشر می باشد. انسان با سر سپردن و اطاعت از دستورات خداوند که از طریق کتب آسمانی و انبیائش برای بشر فرستاده است، نفس خود را از آلودگی‌های شیطانی و اخلاق ذمیمه پیراسته نموده و در مسیر عبودیت و بندگی خدای متعال موفق و سعادتمند خواهد شد. هدف اصلی این پژوهش، ارائه الگوی اسلامی حُسن خُلُق و تبیین دلالت‌های تربیتی آن با تاکید بر آیات قرآن است.

روش پژوهش

با به کارگیری روش شناسی پژوهش نظریه پردازی داده بنیاد متنی، مطالعه حاضر می کوشد الگوی اسلامی حسن خلق را با کاوش در منابع اسلامی (آیات قرآن) کشف و ارائه نماید. مطابق این روش شناسی، در گام نخست و در بررسی آیات و روایات دالّ بر حُسن خلق دو پرسش کلی کانونی و فرایندی در میان گذاشته می شود و کار اکتشافی [کشف الگو یا نظریه] آغاز می گردد. پرسش نخست عبارت از این است که مطابق آیات قرآنی حسن خلق چیست و چگونه مطرح و آشکار شده است؛ و پرسش فرایندی عبارت از این است که گام‌ها و مراحل حسن خلق در منابع اسلامی کدامند؛ و اصطلاحاً فرایند حسن خلق در منابع اسلامی چگونه است. همچنین بر پایه سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی در این روش تحقیق، پرسش‌هایی مطرح و در فرایند پژوهش پاسخ داده خواهند شد که جهت عدم اطاله کلام در اینجا ذکر نمی گردند ولی در بخش پرسش‌های پژوهش آورده می شوند. برآیند این مرحله، کشف الگوی اسلامی حسن خلق بر اساس آیات است. سرانجام با بهره گیری از رویکرد استنتاجی در پژوهش حاضر، هم با نگاه به الگوی

^۱ مجمع البحرین ج ۱ ص ۲۰۳.

^۲ سوره شمس/ آیه ۹ و ۱۰

^۳ سوره آل عمران/ آیه ۱۶۴

کشف شده و هم با نظر به نتایج تحلیل مبانی و تحلیل مفهوم در مرحله نخست، دلالت‌های تربیتی از جمله اهداف، اصول، روش‌ها و محتوای تربیتی این الگو برای تعلیم و تربیت اسلامی استخراج و تبیین شده است.

یافته‌ها

در این پژوهش، با توجه به اینکه هدف مطالعه ارائه الگوی اسلامی حسن خلق و تبیین دلالت‌های تربیتی آن است برای دستیابی به آیات، پژوهشگر بعد از مفهوم شناسی و تحلیل مفهومی حسن خلق، کلیه مفاهیمی که ربط و نسبتی چه از لحاظ مفهومی و لفظی و چه از نظر معنایی و مضمونی با مفهوم حسن خلق دارند را انتخاب می‌نماید

سپس برای پر کردن شکاف در ارائه نظریه و برای جمع آوری داده‌های لازم به شیوه انتخابی از نمونه گیری نظری نیز استفاده می‌شود تا گردآوری داده‌ها به مرحله اشباع نظری برسد و فرآیند نمونه گیری نظری خاتمه یابد. در پژوهش حاضر از آیات و روایات متعددی برای گردآوری داده‌ها و آگاهی از مفهوم و الگوی حسن خلق در منابع اسلامی استفاده شده است. قسمت پایانی این پژوهش با رویکرد و روش پژوهش تحلیلی و استنتاجی انجام شده است. پس از کدگذاری باز و کدگذاری محوری، کدگذاری انتخابی صورت گرفت که نتایج در جداول زیر نشان داده شده است.

جدول ۱: کدگذاری انتخابی و مفهوم سازی عوامل علی حسن خلق در انسان بر اساس قرآن

رحمت الهی	ایمان به خدا و قیامت
معیار کمال	سلامت روح و نفس انسانی
فضیلت اخلاقی بزرگ	حکمت و اندرز نیکو،
تعلیم و تزکیه	استغفار کردن، اکرام و ایثار
عدالت	توصیه خداوند به رعایت حسن خلق، پاداش مضاعف خداوند، در زمره عباد الرحمن

جدول ۲: کدگذاری انتخابی و مفهوم سازی شرایط زمینه ایی حسن خلق در انسان بر اساس قرآن

اخلاق خوش	سخاوت، عادت به حسن خلق، حسن خلق مومنان با یکدیگر، سخن نیک و معاشرت نیکو با مردم، خوش رفتاری با کافران و مجرمان، خوش خلقی و روی خوش داشتن با همه افراد جامعه
عدم مجادله	مهارخشم، احترام به جان، دفع بدی با نیکی، مناظره همراه با حسن خلق، صبر و شکیبایی
عدالت	عدالت، احسن، ایثار و اکرام
بخشش و محبت	تواضع و خاکساری، مهربانی با یاران

جدول ۳: کدگذاری انتخابی و مفهوم سازی شرایط واسطه ایی و مداخله گر حسن خلق در انسان بر اساس قرآن

حسن برخورد	مناظره همراه با حسن خلق، نیک گفتار، سخاوت، رعایت حال ناتوانان، عرف گرایی در معاشرت اجتماعی
صبر و شکیبایی	صبوری، مهارخشم، عدالت،
احسن، ایثار و اکرام	احسان عفو، تواضع و خاکساری، استغفار کردن

جدول ۴: کدگذاری انتخابی و مفهوم سازی راهبردهای انسان در حسن خلق مطلوب بر اساس آیات قرآن

سخاوت	و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری. از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است که مقصود از «خلق عظیم» در آیه شریفه، سخاوت و حسن خلق است.
حسن برخورد، عدم مجادله، مهارخشم	حکمت و اندرز نیکو، مناظره با نیکویی، دوری از خشم و مجادله، عادت به حسن خلق
خوش رویی	خوش خلقی، نیک خویی، گفتار نیک، معاشرت با دیگران
فضیلت‌گرایی	دفع بدی با نیکي، دوست داشتن توبه کنندگان، حکمت و اندرز نیکو
تعلیم و تزکیه	پیامبر (ص) برای «تعلیم و تزکیه» معبوث شده است
اکرام و ایثار	ایشان با «اکرام» با مردمان مواجه می‌شود و با دوستان بر اساس «ایثار
عدالت	درباره تجاوزکاران می‌فرماید: فَمَنْ اَعْتَدَى عَلَیْكُمْ فَاَعْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اَعْتَدَى عَلَیْكُمْ؛ هر کسی بر شما تعدی کرد، پس به مثل همان تعدی به آنان تعدی کنید
بخشش و محبت،	احساس مهر، محبت به مردم، ملاطفت، عفو و گذشت، تواضع و خاکساری

جدول ۵: کدگذاری انتخابی و مفهوم سازی پیامدهای حسن خلق در انسان بر اساس قرآن

عامل کمال	تزکیه نفس انسانها، عامل جذب مردم به دین
تبدیل دشمنی به دوستی	عامل شکست شیطان
عامل رحمت الهی	پاداش مضاعف خداوند

الگوی مفهومی آموزش حسن خلق مطلوب (استنتاج دلالت‌های تربیتی)

بر اساس اهداف و ارزش‌های دینی در هریک از ابعاد یا ساحت‌های بدنی، شناختی، عاطفی و رفتاری به علاوه، تربیت دینی به روش‌های برگرفته از دین و احکام و قوانین دینی و یا شیوه‌های مورد تأیید دین نظر دارد و به گرایش‌ها، احساسات، عواطف و هیجانات فرد جهت می‌بخشد (A'Rafi, 2008).

فرایند ساخت و پرداخت افکار اخلاق، اعمال خدا محورانه مطابق با آموزه‌های اسلامی است. هرگونه اقدام هدایت‌گرانه‌ای که به منظور ایجاد ابقا و اکمال استعدادهای ادراکی، میلی، ارادی و عملی مرتبی

در چهار حوزه ارتباط باخدا، ارتباط با خود، ارتباط با دیگران و ارتباط با جهان هستی بر مبنای قرآن و سنت و عقل به سوی هدف غایی قرب مطلق الهی انجام پذیرد را تربیت اسلامی گویند (Beheshti, 2002). تربیت اسلامی (تربیت دینی) شناخت خدا به عنوان رب یگانه انسان و جهان و برگزیدن او به عنوان رب خویش و تن دادن به ربوبیت او و تن زدن از ربوبیت غیر خداست (Bagheri, 2008).

مفهوم حسن خلق در سنت اسلامی، در دو دلالت خاص و عام به کار می‌رود. در معنای خاص، حسن خلق بر فضائل اخلاقی ناظر بر مدارا و حسن معاشرت با مردم دلالت دارد و در معنای عام، مراد از آن،

مجموعه تمامی رفتارهای نیکو و اخلاق پسندیده است. حسن خلق، به معنای نرم‌خویی، پاکیزه‌گفتاری، گشاده‌رویی و منش زیبا و با دیگران پاکیزه برخورد کردن است (Naraqi, 2015).

تربیت به عنوان فرایندی که نتیجه آن صرفاً در مقام عمل روشن می‌شود، دارای وجهه‌ای کاملاً عملی و کاربردی است. از این جهت، هرگونه تلاش نظری در چارچوب مفهومی باید ناظر به فواید عملی باشد. در این میان نقش مبدل‌های نظری به عملی و انتقال دهنده‌ها روشن می‌شود. تبلور مفهوم مبدل در ماهیت اصل تربیتی، به عنوان آخرین مرحله نظر و سرآغاز اولین مرحله عمل تربیتی، مهم ترین نقشی است که ضرورت وجود اصول را در نظام تربیتی تبیین می‌کند (Shokouhi, 1988). در این قسمت به استنتاج اصول تربیتی حسن خلق مطلوب در انسان از مبانی هستی‌شناسانه، معرفت‌شناسانه و انسان‌شناسانه و ارزش‌شناسانه حسن خلق مطلوب می‌پردازیم و اصول تربیتی از هریک از آنان استنتاج می‌گردد.

اصل ۱: رحمت خداوند

از صفاتی که تاثیر بسزایی بر حسن خلق دارد رحمت و بخشندگی خداوند است که در صفات رحمان، رحیم، و ذوافضل بودن خداوند

تجلی می‌یابد وقتی انسانی خداوند را داشتن چنین صفاتی می‌شناسد، سعی می‌کند خود از خطاها و اشتباهات دیگران چشم‌پوشی کند تا خداوند نیز از گناهان او بگذرد. چشم‌پوشی از خطاها و اشتباهات دیگران از علامت‌های خوش اخلاقی است.

تبیین اصل: وقتی سخن از جلب رحمت به عنوان عاملی برای نیک‌خویی گفته شده است در بردارنده همه این معانی و مفاهیم است. هرگاه این گونه عمل کردیم چنان که پیامبر (ص) به عنوان سرمشق عمل کرده و این راه را پیموده است می‌توانیم امیدوار شویم که از عنایت و رحمت خاص الهی برخوردار شده و به نیک‌خویی دست یابیم (Tabataba'i, 1995).

اللّٰهُ لَئِنْ لَمْ يَرْحَمْهُمْ لَأَفْضَلُ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (آل عمران: ۱۵۹)، پس به برکت رحمت الهی، با آنان نرم‌خو و پر مهر، شدی و اگر تندخو و سختدل پیرامون تو پراکنده می‌شدند، پس از آنان در گذر و برایشان آمرزش بخواه و در کارها با آنان مشورت کن و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن زیرا خداوند توکل‌کنندگان را دوست می‌دارد.

جدول ۶: استنتاج اصل اول حسن خلق مطلوب در انسان

هدف تربیتی	مطابق آیات و روایات، حسن خلق مطلوب یک رحمت و هدیه ایی الهی محسوب می‌شود.
گزاره واقع‌نگر مبنایی	حسن خلق در صفات رحمان، رحیم، و ذوافضل بودن خداوند تجلی می‌یابد وقتی انسانی خداوند را داشتن چنین صفاتی می‌شناسد، سعی می‌کند خود از خطاها و اشتباهات دیگران چشم‌پوشی کند تا خداوند نیز از گناهان او بگذرد.
گزاره هنجاری	نرمش با مردم یک هدیه الهی است. افراد خشن و سختگیر نمی‌توانند مردم داری کنند.

جدول ۷: استنتاج روش از اصل اول رحمت خداوند

گزاره تجویزی	مردم داری و رهبری و مدیریت صحیح با عفو و عطف زمینه ساز دریافت رحمت الهی می‌باشد.
گزاره واقع‌نگر مصداقی	صبر و شکیبایی در طی طریق به عنوان زمینه رحمت و بستری برای نیک‌خویی می‌باشد.
گزاره تجویزی روشی	داشتن عفو و بخشش، عطف و مهربانی و صبر و شکیبایی در برخورد با مردم.

اصل ۲: مودت الهی

خداوند متعال در چند آیه خود را با این صفت معرفی کرده و دوستی و محبت خود به بندگان را نشان داده است. برای نمونه فرموده اند و

اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ (هود: ۹۰)؛ و از پروردگار خود آمرزش بخواهید، سپس به درگاه او توبه کنید که پروردگار من مهربان و دوستدار بندگان است.

تبیین اصل: کلمه ودود بر وزن فعول از اسمای خدای تعالی است و از ماده ود اشتقاق یافته و کلمه ود با کلمه (حب) به یک معنا است الا اینکه از موارد استعمال این دو کلمه بر می آید که «ود نوع خاصی از حب است و آن حبی است که آثار و پیآمدهایی آشکار دارد، مثل، الفت و آمد و شد و احسان اگر خدای تعالی را ودود خوانده به همین جهت است که او بندگان خود را دوست می دارد و آثار محبت خود را با افاضه نعمت هایش آنان ظاهر می سازد آن هم چه نعمتهایی که هیچ کس نمی تواند عدد آنها را بشمارد، هم چنان که خودش فرمود: «وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا» (النحل: ۱۸)؛ پس به این دلیل خدای تعالی نسبت به انسانها ودود است (Tabataba'i, 1995).

از پروردگارتان آموزش بخواهید و آنگاه روی توبه به بارگاه او بیاورید. به باور برخی منظور این است که برای لغزشها و گناهان گذشته آموزش بخواهید و برای آینده تصمیم بگیرید که هرگز گناه نکنید. و به باور برخی دیگر منظور این است که از خدا آموزش

بخواهید و به همان حال زندگی را ادامه دهید. و پاره ای می گویند: در آشکار و نهان از خدا آموزش بخواهید و در ژرفای جان از گناهان و لغزشها پشیمان باشید.
 إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ ودود به راستی که خدای من نسبت به بندگان خود مهربان است از این رو توبه آنان را می پذیرد و از گناهانشان می گذرد و آنان را دوست می دارد و منافع آنان را می خواهد (Tabarsi, 2003).

حضرت علی (ع) کسب محبت را پیامد حسن خلق برشمرده اند. آن حضرت در روایت دیگری حسن خلق را باعث محبت و تأکید کننده مودت دانسته و فرموده اند حسن خلق باعث محبت و تأکید کننده مودت است. حسن خلق زمینه اظهار محبت را فراهم می سازد و از آنجا که دوستی وقتی ابراز شود تأثیر شگرفی بر تداوم ارتباطها دارد و موجبات سازگاری هر چه بیشتر را فراهم می کند (Hurr Amili, 2003).

جدول ۸: استنتاج اصل دوم حسن خلق مطلوب در انسان

هدف تربیتی	مطابق آیات و روایات، خود را دوست می دارد و آثار محبت خود را با افاضه نعمت هایش آنان ظاهر می سازد آن هم چه نعمتهایی که هیچ کس نمی تواند عدد آنها را بشمارد.
گزاره واقع نگر مبنایی	در آشکار و نهان از خدا آموزش خواستن و در ژرفای جان از گناهان و لغزشها پشیمان شدن.
گزاره هنجاری	انسان می بایست از پروردگار خود آموزش بخواهد، سپس به درگاه او توبه کند زیرا که پروردگار مهربان و دوستدار بندگان است.

جدول ۹: استنتاج روش از اصل دوم مودت الهی

گزاره تجویزی	پشیمانی از لغزش خطاها و گناهان و توبه به درگاه خداوند
گزاره واقع نگر مصادیقی	مهربانی و الفت در روابط اجتماعی و بخشش و گذشت خطاهای آنان زمینه ساز مودت الهی می باشد.
گزاره تجویزی روشی	آموزش خواستن از خداوند و ابراز محبت و الفت به دیگران در روابط اجتماعی

اصل ۳: عدل الهی

عدل جزایی سبب ترس از مقام و عذاب خداوند و مانع از گناه و سوء خلق شده و سبب می شود انسان هر چه بیشتر به سمت اطاعت خداوند که یکی از مصادیق آن حسن خلق است حرکت کند. پس عدل از

جمله صفاتی است که شناخت و اعتقاد راسخ به آن سبب بروز رفتارهای زیبای اجتماعی می شود. عدل الهی به این معنی است همه انسانها در پیشگاه خداوند از هر جهت یکسان و برابرند و هیچ انسانی

نزد او بر دیگری به تقوا خداوند در قرآن کریم ندای تساوی در آفرینش را سر داده است، آنجا که می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (حجرات: ۱۳)

ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را ملت و قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی تردید خداوند دانای آگاه است.

جدول ۱۰: استنتاج اصل سوم حسن خلق مطلوب در انسان

هدف تربیتی	مطابق آیات و روایات، همه انسان‌ها در پیشگاه خداوند از هر جهت یکسان و برابرند و هیچ انسانی نزد او بر دیگری برتری ندارد.
گزاره واقع نگر مبنایی	مردم از این جهت که مردمند همه با هم برابرند و هیچ اختلاف و فضیلتی در بین آنان نیست غرض از اختلافی که در خلقت بشر قرار داده شده، این است که یکدیگر را بشناسند... نه اینکه به یکدیگر تفاخر کنند.
گزاره هنجاری	انسان خود را برتر از دیگران نمی‌بیند تا بخواهد در مقابل دیگران فخر فروشی کند یا کسی زیر بار استکبار و ظلم خود له کند و بر عکس سعی کند با دیگران در نهایت تواضع و ادب برخورد کند.

جدول ۱۱: استنتاج روش از اصل سوم عدل الهی

گزاره تجویزی	اعتقاد به عدل الهی و در برخورد با دیگران مغرور نشدن. برخورد مغرورانه نکردن از مصادیق اخلاق خوش است.
گزاره واقع نگر مصادقی	جواب نامهربانی و بد اخلاقی افراد را با ملایمت و مهربانی دادن و در برخورد با دیگران عادلانه رفتار کردن.
گزاره تجویزی روشی	داشتن ترس از مقام و عذاب خداوند و به طبع آن عدم گناه و سوء خلق و سبب می‌شود انسان هر چه بیشتر به سمت اطاعت خداوند که یکی از مصادیق آن حسن خلق است حرکت کند.

اصل ۴: سمیع و بصیر بودن خدا

اعتقاد به اینکه خداوند هم می‌بیند هم می‌شنود باعث می‌شود که انسان هر لحظه حضور خدا را هنگام انجام عملی احساس کند و در رفتار او تاثیر بگذارد آیات و روایات فراوانی در این زمینه وجود دارد

الم يعلم بأن الله يرى (علق: ۱۴)؛ مگر نمی‌دانند که خداوند می‌بیند؟

اینکه انسان بداند در محضر خداوند است و تمامی اعمالش را می‌بیند او را ترغیب می‌کند به انجام اعمال نیک و خودداری از وحسن خلق نیز مطمئن جز اعمال نیک انسان محسوب می‌شود. اگر بنده بداند که خدا آنچه او انجام می‌دهد می‌داند و او را می‌بیند موجب مسابقه و

مبادرت به طاعت و ترک معصیت می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲۷: ۱۸۶).

تبیین اصل: وقتی بنده‌ای خداوند را به علیم بودن بشناسد و باور داشته باشد که عالم محضر خداست و خداوند به اعمال تمام انسانها عالم است. می‌داند که اگر نسبت به دیگران رفتار پسندیده‌ای داشته باشد یا برعکس به دیگران ظلم، کند خداوند به اعمال او آگاه است و جزای اعمال او را خواهد داد یا ممکن است به علت شرم حضور و علم خداوند به عمل خطایی دست نزند و با دیگران با سوء خلق برخورد نکند. پس این اعتقاد سبب حسن خلق در فرد می‌شود.

در روایتی عقیده به این، موضوع کمترین مرتبه خداشناسی دانسته شده است.

علی بن محمد، عن سهل بن زیاد عن طاهر بن حاتم فی حال استقامته أنه كتب الى الرجل: ما الذی لا یجتزئ فی معرفۃ الخالق بدونه فكتب إليه لم یزل عالماً و سامعاً و بصیراً و هو الفعّال لما یرید و سئل أبو جعفر عن یجتزئ بدون ذلك من معرفۃ الخالق فقال لیس کمثله شیء و لا یشبّه شیء لم یزل عالماً سمیعاً:

طاهر بن حاتم در زمانی که عقیده درست داشت و غالی نشده بود به حضرت ابوجعفر (علیه السلام) نوشت در خداشناسی مقداری که یکمتر از آن اکتفا نشود چیست؟ حضرت به او نوشت اینکه خدا همیشه دانا و شنوا و بیناست آنچه خواهد انجام دهد. و حضرت ابو جعفر (علیه السلام) را پرسیدند از مقداری که در خداشناسی بکمتر

از آن اکتفا نشود فرمود: اینکه چیزی مانند و شبیه او نیست، همیشه دانا و شنوا و بیناست (Kulayni, 1986).

از امام صادق (علیه السلام) آمده است که شخصی خدمتش عرض کرد مردی از دوستان شما اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) می گوید: خداوند متعال همواره سمیع بوده به وسیله، گوش، و بصیر بوده به کمک چشم و عالم بوده به وسیله علم زائد بر ذات و قادر بوده به قدرت زائد بر ذات امام خشمگین شد و فرمود من قال ذلك و دان به فهو مشرک و لیس من ولایتنا علی شیء، إن الله تبارک و تعالی ذات علامه سمیع بصیر قادر؛ کسی که این سخن را بگوید و به آن عقیده داشته باشد مشرک است و بهره ای از ولایت ما ندارد، خداوند متعال ذاتی است عین عالم و سمیع و بصیر و قادر و این صفات زائد بر ذات او نیست (Majlisi, 2025).

جدول ۱۲: استنتاج اصل چهارم حسن خلق مطلوب در انسان

هدف تربیتی	مطابق آیات و روایات، اینکه انسان بداند در محضر خداوند است و تمامی اعمالش را می بیند او را ترغیب می کند.
گزاره واقع نگر مبنایی	انسان بداند در محضر خداوند است و تمامی اعمالش را می بیند او را ترغیب می کند
گزاره هنجاری	به انجام اعمال نیک و خودداری از وحسن خلق نیز مطمئناً جز اعمال نیک انسان محسوب می شود.

جدول ۱۳: استنتاج روش از اصل سمیع و بصیر بودن خدا

گزاره تجویزی	دوری از عمل خطایی و با دیگران با سوء خلق برخورد نکردن
گزاره واقع نگر مصداقی	ترک گناه، کنترل رفتار و حسن خلق با مردم داشتن
گزاره تجویزی روشی	مبادرت به اطاعت و ترک معصیت و حسن خلق با مردم داشتن.

اصل ۵: ایمان و عمل صالح

با توجه به آیات نتیجه می شود که انسان داری روحی جاودانه می باشد که برانگیخته می شود از این رو تمام خصوصیات نفسانی خود را تا ابدیت همراه خویش دارید و اخلاق هم یکی از این خصوصیات می باشد می توان گفت از دیدگاه قرآن کریم، دو عنصر در شاکله انسان اثر می گذارد و شخصیت واقعی او را می سازد و انسانها را به رغم شباهت های ظاهری که باهم دارند از لحاظ باطنی و جوهری متفاوت می کند یکی علم و ایمان به خداوند و گفته های او است که قل هل یتوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون زمر (۹)؛ آیا چنین

کسی بهتر است یا آن کسی که او در طول شب در سجده و قیام اطاعت [خدا] می کند [و] از آخرت می ترسد و رحمت پروردگارش را امید دارد بگو آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند تنها خردمندانند که پند پذیرند. و «آفمن کان مؤمناً کمن کان فاسقاً لا یتوون» (سجده: ۱۸) ایمان و کفر لباس هایی نیستند که انسان بی آن که هویت خود را عوض کند، یکی از آنها را بپوشد. از دیدگاه قرآن تبدیل ایمان به کفر، گم کردن راه راست که همان خود واقعی انسان است به شمار می رود.

تبیین اصل: با توجه به آیات قرآن در می‌یابیم که ارزش‌های اخلاقی، هرگز به تبع فرد یا جامعه یا جنس افراد متفاوت نمی‌شود. قرآن همواره ذات انسان را اعم از مرد یا زن عرب یا عجم معاصر نزول یا غیر معاصر مورد خطاب اخلاقی قرار می‌دهد و از او می‌خواهد. تا ارزش‌های عینی اخلاقی را که جاودانه است پاس دارد در آیات متعددی، خداوند به صورت مطلق می‌فرماید: ایمان و عمل صالح سبب رستگاری است و این به، فرد ملت یا دوره خاصی اختصاص ندارد: «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ» (رعد: ۱۳) افزون بر این در برخی آیات تصریح شده است که این موضوع برای زن و مرد مساوی است مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ (غافر: ۴۰) گواه جاودانگی و ثبات ارزش‌های اخلاقی، خط فاصل ابدی است که خداوند بین دو گروه صالحان و گنهکاران در چگونگی زندگی و مرگ ایشان ترسیم می‌کند البته ناگفته پیداست که اصول اخلاقی ثابت می‌توانند مایه پیشرفت و تعالی افراد و جوامع باشند و آنان را اصلاح کنند و

گرچه چنانچه اصول اخلاقی دست خوش تغییر و تحول باشند به جای نقش، آفرینی خود دنباله رو هر وضع و شرایط خواهند گردید. هر یک از مفاسد اخلاقی ریشه‌هایی در درون جان انسان دارد با خود شناسی آن ریشه‌ها شناخته می‌شود و درمان این دردهای جانگاہ را آسان می‌سازد و به این ترتیب راه وصول به تهذیب را در برابر انسان هموار می‌کند از همه مهمتر این که خودشناسی بهترین راه برای خدا شناسی است (Majlisi, 2025).

از دیدگاه قرآن کریم انسان موجودی است دو بعدی یعنی فطرت انسانی هم دارای بعد مثبت معنوی است هم دارای بعد منفی (مادی) انسان هم می‌تواند سیر صعودی پیدا کند و هم سیر نزولی در نهاد او هم استعداد و گرایش به خیرها و نیکی‌ها وجود دارد، هم گرایش به شرها و زشتی‌ها انسان هم نفس لواحه و سرزنشگر دارد که او را به سوی خیرها و فضیلت‌ها هدایت می‌کند و هم نفس اماره دارد که او را به سوی رزائل و زشتی‌ها سوق می‌دهد (Hurr Amili, 2003).

جدول ۱۴: استنتاج اصل پنجم حسن خلق مطلوب در انسان

هدف تربیتی	مطابق آیات و روایات، انسان دارای روحی جاودانه می‌باشد که برانگیخته می‌شود از این رو تمام خصوصیات نفسانی خود را تا ابدیت همراه خویش دارید و اخلاق هم یکی از این خصوصیات می‌باشد.
گزاره واقع نگر مبنایی	پیروی از ارزش‌های اخلاقی و دوری از نفس اماره
گزاره هنجاری	گرایش به فضیلت‌های اخلاقی، خیر و نیکی به مردم

جدول ۱۵: استنتاج روش از اصل ایمان و عمل صالح

گزاره تجویزی	خود شناسی و ایمان به خدا انجام عمل صالح
گزاره واقع نگر مصداقی	حسن خلق با مردم، مردم داری و خوشرویی با در پرتو ایمان به خداوند یگانه
گزاره تجویزی روشی	داشتن ایمان و عمل صالح و توجه ویژه به مدارا کردن با مردم

اصل ۶: کمال جویی

کمال جویی یکی از گرایش‌های اصیل و فطری انسان است و هر شخصی در نهاد خود به دنبال رسیدن به کمال حقیقی خویش می‌باشد و برای رسیدن به آن از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کند. از طرفی هر کس برای قرار گرفتن در مسیر تکامل شیوه‌ای را بر می‌گزیند تا به غایت

خود واصل شود در این میان عرفان اسلامی طریقه آن دسته از اهل معرفت است که برای تحصیل کمال حقیقی و وصول به حق و حقیقت تهذیب نفس و سیر و سلوک الی الله را پیشنهاد می‌کند غایت این جهان بینی عرفا رسیدن انسان به مقام انسان کامل است که به لحاظ برخورداری از جایگاه ویژه در نظام هستی توانسته مظهر تام و

کامل اسم اعظم الله و آینه تمام نمای حق شود. چنانچه شهید گران قدر استاد مطهری می‌فرماید: «انسان کامل، عرفان انسانی است که به خدا می‌رسد وقتی به خدا، رسید مظهر کامل همه اسما و صفات الهی و آینه‌ای می‌شود که ذات حق در او ظهور و تجلی می‌کند.

تبیین اصل: از دیدگاه قرآن کریم انسان موجودی است دو بعدی یعنی فطرت انسانی هم دارای بعد مثبت معنوی است هم دارای بعد منفی (مادی)، انسان هم می‌تواند سیر صعودی پیدا کند و هم سیر نزولی در نهاد او هم استعداد و گرایش به خیرها و نیکی‌ها وجود دارد، هم گرایش به شرها و زشتی‌ها انسان هم نفس لوامه و سرزنشگر دارد که او را به سوی خیرها و فضیلت‌ها هدایت می‌کند و هم نفس اماره دارد که او را به سوی رزائل و زشتی‌ها سوق می‌دهد (Hurr Amili, 2003).

کمال جویی یکی از گرایش‌های اصیل و فطری انسان است و هر شخصی در نهاد خود به دنبال رسیدن به کمال حقیقی خویش می‌باشد و برای رسیدن به آن از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کند. از طرفی هر کس برای قرار گرفتن در مسیر تکامل شیوه‌ای را بر می‌گزیند تا به غایت

خود واصل شود در این میان عرفان اسلامی طریقه آن دسته از اهل معرفت است که برای تحصیل کمال حقیقی و وصول به حق و حقیقت تهذیب نفس و سیر و سلوک الی الله را پیشنهاد می‌کند غایت این جهان بینی عرفا رسیدن انسان به مقام انسان کامل است که به لحاظ برخورداری از جایگاه ویژه در نظام هستی توانسته مظهر تام و کامل اسم اعظم «الله» و آینه تمام نمای حق شود. چنانچه شهید گران قدر استاد مطهری می‌فرماید انسان کامل، عرفان انسانی است که به خدا می‌رسد وقتی به خدا، رسید مظهر کامل همه اسما و صفات الهی و آینه‌ای می‌شود که ذات حق در او ظهور و تجلی می‌کند.

مطهری می‌نویسد: وقتی انسان خود را موجودی برگزیده از طرف خداوند، خلیفه و جانشین او در زمین، نیمه ملکوتی، دارای فطرتی خدا آشنا، امانت دار خدا و مسئول خویش شدن و افراد دیگر دانست؛ احساس شرافت، کرامت و تعالی می‌کند و خویش شدن را از تن دادن به پستی‌ها برتر می‌شمارد و مقدسات اخلاقی و اجتماعی برایش معنی و ارزش پیدا می‌کند.

جدول ۱۶: استنتاج اصل ششم حسن خلق مطلوب در انسان

هدف تربیتی	مطابق آیات و روایات، کمال جویی یکی از گرایش‌های اصیل و فطری انسان است و هر شخصی در نهاد خود به دنبال رسیدن به کمال حقیقی خویش می‌باشد.
گزاره واقع نگر مبنایی	برای قرار گرفتن در مسیر تکامل شیوه‌ای را بر می‌گزیند تا به غایت خود واصل شود.
گزاره هنجاری	امانت دار خدا و مسئول خویش شدن و افراد دیگر بودن؛ احساس شرافت، کرامت و تعالی داشتن

جدول ۱۷: استنتاج روش از اصل کمال جویی

گزاره تجویزی	انسان خویش شدن را از تن دادن به پستی‌ها برتر می‌شمارد و مقدسات اخلاقی و اجتماعی برایش معنی و ارزش پیدا می‌کند.
گزاره واقع نگر مصادیقی	انجام عمل به خیرها و نیکی‌ها و دوری از شرها و زشتی‌ها و خیر رساندن به مردم
گزاره تجویزی روشی	تحصیل کمال حقیقی و وصول به حق و حقیقت تهذیب نفس و سیر و سلوک الی الله می‌باشد.

اصل ۷: کرامت انسانی

در بررسی افعال مربوط به ارزش‌های انسانی که در درون انسان خداوند به ودیعه گذاشته می‌توان به موارد به کرامت انسانی اشاره کرد. کرامت موهبتی است که از منظر قرآن مجید در بین مخلوقات

ظاهری خداوند تنها مخصوص آدمی است و هیچ موجود زمینی دیگری به این شرافت توصیف نشده است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَحْشِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء: ۷۰)؛ و به راستی ما

فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا بر مرکب‌ها بر نشاندیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم.

این آیه بیان‌کننده برتری ذاتی تمام افراد، بشر حتی مشرکان و کافران بر بسیاری از مخلوقات یعنی جنها و حیوانات می‌داند و لکن نسبت به فرشتگان ذات و عمل آنان را افضل بر ذات و عمل انسان معرفی می‌نماید و تنها برای انسان این امکان را قائل می‌شود که بتواند با طی مراحل رشد و کمال و با به دست آوردن استعدادهای تازه و شکوفا کردن آن‌ها بر ملائکه نیز تفوق یابد (Tabataba'i, 1995).

در کتاب مفردات راجع به واژه کرم آمده است: هر گاه خدای تعالی با این واژه وصف، شود اسمی است برای احسان و نعمت بخشیدن ظاهر و روشن او مثل آیه ان ربی غنی کریم (نمل: ۱۰) و هر گاه انسان با این واژه وصف، شود اسمی است برای اخلاق و افعال پسندیده‌ای که از انسان ظاهر می‌شود او نشان از بزرگواری او دارد و واژه کریم تا وقتی که آن اخلاق و رفتار ظاهر نشود، گفته نمی‌شود (Raghib Isfahani, 1983).

همچنین آمده است اکرام و تکریم این است که بزرگداشتی یا سودی به انسان برسد که در آن نقصان و خواری نباشد یا چیزی که به او می‌رسد، او را کریم و شریف گرداند (Raghib Isfahani, 1983).

تبیین اصل: انسان از آن جهت کریم است که مورد بزرگداشت و تکریم خاص پروردگار خویش قرار گرفته است؛ پس این جایگاه و

سوی خدا به انسان هدیه شده را باید قدر دانست و آن‌ها نیز بر مبنای احترامی و جایگاهی که خداوند در وجود او قرار داده باید نسبت به یکدیگر رثوف و مهربان بوده و خوشرویی و خوش اخلاقی باید حاکم بر اعمالشان باشد از آن جهت که همه انسان‌ها نزد خداوند دارای کرامتند.

مضمون بیشتر آیات در مورد ارزش‌های انسانی به این موضوع اشاره دارد که نفس انسان گرامی تر از آن است که به خاطر چیزهای پست، خود اخوار و ذلیل کند و اَکْرَمَ نَفْسِكَ عَنْ كُلِّ دَنِيَّةٍ؛ «نفس خود را از هر صفت پست مرتبه گرامی این احساس کرامت نفس و عزتی که انسان از شناخت صحیح ارزش‌های خود کسب می‌کند؛ سبب می‌شود به انجام هر گناهی تن در ندهد و از آن جمله بدخلقی است. به علاوه وقتی انسان خدا را به داشتن صفاتی چون خلیفه بودن داشتن کرامت ذاتی و مظهر اسم اعظم بودن شناخت؛ مطمئناً دیگران را هم صاحب چنین صفاتی می‌داند و دیگر انسان‌ها را هم موجوداتی می‌داند که خداوند به طور خاص به آن‌ها توجه می‌کند. پس آن‌ها را برتر از آن می‌داند که با آن‌ها بدخلقی کند. بنابراین عدم شناخت صحیح انسان نسبت به خود و دیگران و خصوصیات و ارزش‌های آن‌ها این حق را از انسان صلب می‌کند که نسبت به هم نوع خود سوء خلق داشته باشد انسان به همان اندازه که دارای ارزش‌ها و کرامات انسانی است می‌تواند دارای نقص‌ها و نیازهای باشد که او را از مسیر صحیح خلقت دور کند. اما می‌تواند با شناخت دقیق نقص‌ها در صدد رفع و بهبود و کنترل آن‌ها برآید.

جدول ۱۸: استنتاج اصل هفتم حسن خلق مطلوب در انسان

هدف تربیتی	مطابق آیات و روایات، کرامت موهبتی است که در بین مخلوقات ظاهری خداوند تنها مخصوص آدمی است و هیچ موجود زمینی دیگری به این شرافت توصیف نشده است.
گزاره واقع نگر مبنایی	انسان می‌بایست با شناخت دقیق نقص‌ها در صدد رفع و بهبود و کنترل آن‌ها برآید.
گزاره هنجاری	شناخت صحیح انسان نسبت به خود و دیگران و خصوصیات و ارزش‌های آن‌ها مورد توجه قرار گیرد.

جدول ۱۹: استنتاج روش از اصل کرامت انسانی

گزاره تجویزی	دور شدن از انجام هر گناهی و از جمله بدخلقی زمینه ساز کرامت انسانی است.
گزاره واقع نگر مصداقی	انسان باید نسبت به یکدیگر رثوف و مهربان بوده و خوشرویی و خوش اخلاقی باید حاکم بر اعمالشان باشد.

اصل ۸: اعتقاد به معاد

از جمله باورهای انسان، اعتقاد به این مهم است که دنیا گذرگاه و محل تربیت انسان و جایگاه تکامل است، نه قرارگاه دائمی و محل خوش گذرانی همین حد از شناخت باعث میشود انسان نه تنها به دنیا وابسته نباشد، بلکه موجبات تهذیب نفس و شد خود را نیز فراهم کند. و دنیا را بی ارزشتر و زود گذرتر از آن بداند که به خاطر کسب نعمت‌های زود گذر دنیا بخواهد با دیگر انسان‌ها بد خلقی کند؛ چون می‌داند به زودی فرصت او در دنیا تمام خواهد شد.

و تنها همین اعمال خیر وی برایش باقی می‌ماند. آنچه ساحران در انتهای آیه ۷۲ سوره مبارکه طه آورده اند، چیزی شبیه به همین مضمون است: «إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا» (طه: ۷۲)؛ پس هر حکمی می‌خواهی بکن که تنها در این زندگی دنیا است که تو احکم میرانی و این نشان می‌دهد که آن‌ها به این حد از شناخت رسیده بودند که دنیا خوشی‌ها و ناخوشی‌های آن خواهد گذشت و تنها آموزش و ثوابی که خدای موسی به آن وعده داده است باقی خواهد ماند. «إِنَّا آمَنَّا بِرَبِّنَا لِيُغْفِرَ لَنَا خَطَايَانَا وَمَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَى» (طه ۷۳)؛ ما به پروردگارمان ایمان آوردیم تا گناهان ما و آن سحری که ما را بدان واداشتی بر ما ببخشاید، و خدا بهتر و پایدارتر است.

به علاوه در سوره عنکبوت دنیا را لهو و لعب معرفی کرده است و می‌فرماید: «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (عنکبوت ۶۴)؛ این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازیچه نیست و زندگی حقیقی همانا [در] سرای آخرت است‌ای کاش می‌دانستند در تفسیر میزان ذیل همین آیه آمد است همانطور که بچه‌ها بر سر بازی داد و فریاد راه بر سر آن نزاع می‌کنند، جز وهم و خیال چیزی نیست، مردم نیز بر سر امور دنیوی نیز با یکدیگر می‌جنگند، با اینکه آنچه این ستمگران برسر آن تکالب می‌کنند چیزی جز اوهام نیستند.... (Tabataba'i, 1995).

در حدیثی امام علی (علیه السلام) صفاتی مانند حرص و طمع، ریا را از صفات دنیا دوستان می‌شمردند إِنَّ الدُّنْيَا مَشْغَلَةٌ عَنْ غَيْرِهَا وَلَمْ يَصْبِ صاحبها منها شَيْئًا إِلَّا فَتَحَتْ لَهُ حِرْصًا عَلَيْهَا وَ لَهْجًا بِهَا وَ لَنْ يَسْتَعْنِيَ صاحبها بما نال فيها عَمَّا لَمْ يَلْغُهْ مِنْهَا؛ برآستی که دنیا آدمی را به کلی سرگرم خود می‌سازد و دنیا پرست به چیزی از آن نرسد، مگر آن که باب حرص و شیفتگی به آن بر رویش گشوده شود و به آنچه از این دنیا دست یافته اکتفا نمی‌کند تا در پی چیزی که بدست نیاورده نرود (Feyz Kashani, 2004).

تبیین اصل: تاثیر گذاری هر کدام از این صفات در بدخلقی واضح است؛ زیرا هر کسی که بود و نبود دنیا نزد او مساوی باشد، حسد، دشمنی و نزاع که از اسباب سوء خلق است از او دور میشود چرا که اینها از نتایج دنیا دوستی است (Hosseini, 2006). پس می‌توان نتیجه گرفت وابستگی نداشتن به دنیا سبب حسن خلق می‌شود.

ویژگی بعدی دنیا این است که جهان باطل و عبث آفریده نشده است و هدف‌های حکیمانه‌ای در خلقت جهان و انسان در کار است. أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ (مومنون: ۱۱۵)؛ آیا پنداشتید که شما را بیهوده آفریده ایم و اینکه شما به سوی ما بازگردانیده نمی‌شوید؟ هدف خلقت تکامل باشد یا به قول مولف میزان پدید آمدن انسان کامل سبب می‌شود انسان تمام هم و غم‌های خود را صرف فراهم آوردن مقدمات این هدف کند. مطمئناً یکی از مقدمات رسیدن انسان به کمال حسن خلق است. یکی از هدف‌هایی که برای خلقت ذکر شده است و سبب حسن خلق می‌شود آزمایش است: «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَفُورُ» (ملک ۲)؛ همان که مرگ و زندگی را پدید آورد تا شما را بیازماید که کدامتان نیکو کار ترید و اوست ارجمند آمرزنده این آیه بیانگر هدف از خلقت و مرگ و زندگی است که وسیله‌ای است برای اینکه خوب از بد متمایز شود و این امتحان برای پاداش و

کیفری است که بشر با آن مواجه خواهد شد (Tabataba'i, 1995).

انسانی که دنیا را سراسر از ابتلا و آزمایش می‌داند سعی می‌کند کاملاً پسندیده رفتار کند تا در امتحان‌های الهی سربلند بیرون آید. یکی از مصداق‌های رفتار پسندیده حسن خلق است. یکی دیگر از ویژگی‌های جهان این است که جهانی ابدی و جاویدان به دنبال این جهان می‌آید و بازگشت همه انسان‌ها به سوی مبدا آفرینش است. در روایت زیر مشخص شده است که چگونه شناخت جهان هستی و هدفمند بودن آن سبب خوش رفتاری امام با دوستان در آن شرایط سخت می‌شود. خبر فوت فرزند امام صادق علیه السلام را در حالی که ایشان با دوستانشان سر سفره بودند به امام دادند. ایشان لبخندی

زدند و خواستند تا غذا را بیاورند و آن‌ها سر سفره نشستند... دوستان امام از عکس العمل ایشان تعجب کردند و در این باره از از امام پرسیدند امام فرمودند: «ما لی لا اُکون کما ترون و قد جاء نی خبرٌ اَصَدَقَ الصادقین، انی میت و آیا کُم، ان قوماً عَرَفُوا الموت فلم ینکروا ما یَحْفَظُهُ الموت مِنْهُمْ وَ سَلَّمُوا لَأَمْرِ خَالِقِهِمْ عَزَّوَجَلَّ؛ چرا اینگونه نباشم در حالی که از راستگوترین راستگویان به من خبر رسیده که من و شما نیز خواهیم مرد. سپس فرمود: همانا گروهی از مردم وارسته دنیا مرگ را می‌شناسند و آنچه را که مرگ از آن‌ها به خاطر سپرده انکار نمی‌کنند. همچنین به سبب برخورداری از صفت توکل امور زندگی خود را به خالق عز و جل واگذار می‌کنند (Hurr Amili, 2003).

جدول ۲۰: استنتاج اصل هشتم حسن خلق مطلوب در انسان

هدف تربیتی	مطابق آیات و روایات، این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازیچه نیست و زندگی حقیقی همانا [در] سرای آخرت است. جهانی ابدی و جاویدان به دنبال این جهان می‌آید و بازگشت همه انسان‌ها به سوی مبدا آفرینش است
گزاره واقع نگر مبنایی	انسانی که دنیا را سراسر از ابتلا و آزمایش می‌داند سعی می‌کند کاملاً پسندیده رفتار کند تا در امتحان‌های الهی سربلند بیرون آید.
گزاره هنجاری	وابستگی نداشتن به دنیا سبب حسن خلق می‌شود.

جدول ۲۱: استنتاج روش از اصل اعتقاد به معاد

گزاره تجویزی	داشتن اعتقاد راسخ به معاد، دور شدن از حسد، دشمنی و نزاع که از اسباب سوء خلق است.
گزاره واقع نگر مصداقی	تهذیب نفس و رشد خود را انسان فراهم کند و دنیا را بی ارزشتر و زود گذرتر از آن بداند که به خاطر کسب نعمت‌های زود گذر دنیا بخواهد با دیگر انسان‌ها بد خلقی کند.
گزاره تجویزی روشی	انجام دادن اعمال خیر، داشتن خوش رویی و حسن خلق با مردم و دوری از حرص و طمع، ریا

بحث و نتیجه گیری

دین مقدس اسلام دارای نظامی فراگیر و شامل است. به نحوی که هر متخصص متعهد و منصفی از هر فنی، به نحوی با نظرات دین اسلام سروکار دارد. چرا که اسلام همانند دیگر ادیان الهی بر تمام شئون انسانی اعم از اقتصاد، اجتماع، سیاست، حکومت، ..و به خصوص حوزه تعلیم و تربیت اشراف دارد. سرّ این واقعیت به طور اجمال این است که، اساساً دین را برنامه زندگی بشر دانسته‌اند (Javadi, 1993). رعایت اصول و فروع اخلاقی در تعاملات انسانی

عامل قوام بخش زندگی اجتماعی است. در دین مبین اسلام به موضوع اخلاق اهمیت فراوانی داده شده است، به طوری که پیامبر اکرم (ص) یکی از اهداف رسالت خود را تکمیل مکارم اخلاق ذکر نموده است. مطابق این رسالت، انسان مسلمان باید همواره در جهت رشد و تکمیل فضایل اخلاقی خویش تلاش کند و در تأمین سلامت روحی و روانی خود و دیگران بکوشد. از فضایل اخلاقی مورد تأکید در اسلام حُسن خُلق است. خداوند سبّاحان در قرآن

کریم^۱ (آل عمران سوره ۳/ آیه ۱۵۹). در قرآن کریم آیات زیادی وجود دارد که مسأله تزکیه (پاک نمودن) نفس را به طور جدی مطرح کرده است، که این خود اهتمام بالای خدای متعال را نسبت به کسب اخلاق نیکو و پیراستن خلق‌های نکوهیده از سوی انسان‌ها، نشان می‌دهد. به عنوان نمونه در سوره شمس می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا * وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا». هر کس نفس خود را پاک و تزکیه کرده، رستگار شده * و آن کس که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته، نومید و محروم گشته است.^۲ در بعضی از آیات قرآن بحث تعلیم و تزکیه با هم آمده و در بیشتر آن‌ها خدای متعال پیش از طرح مسأله تعلیم و آموزش، به بیان تزکیه نفس پرداخته است. از این آیات، هم اهمیت تزکیه نفس آشکار می‌شود و هم از طرفی می‌توان استفاده کرد که تعلیم بدون تزکیه در مقام بندگی و کمال انسان اثر مطلوبی نخواهد داشت. خدای عز و جل می‌فرماید: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ

standard of character” (Quran Surah Al Qalam 68:4) (Deylami, 1991; Fakhr al-Din al-Razi, 1999).

In Islamic ethics, *ḥusn al-khuluq* refers to gentleness, courtesy, and amiability toward others (Naraq, 1998), and is viewed as half of one's faith and a source of both worldly and spiritual prosperity. As explained by Mazandarani, it arises from a balanced integration of one's rational, appetitive, and irascible faculties, manifesting in outward behaviors such as kindness, honesty, and affability (Mazandarani, 2003). Moreover, good morality is seen as an inner spiritual beauty just as physical beauty depends on the harmony of outward parts. It is therefore not merely a social virtue but a divine endowment that fosters emotional well-being and spiritual growth. The Qur'an also emphasizes that even in confronting

يَزَكِّيهِمْ وَيَعْلَمُ لَهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ». خداوند بر مؤمنان مَنّت نهاد [نعمت بزرگی بخشید] هنگامی که در میان آن‌ها، پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آن‌ها بخواند، و آن‌ها را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد هر چند پیش از آن، در گمراهی آشکاری بودند.^۳ هدف اصلی از تعلیمات انبیاء و اولیاء همان تزکیه است و تزکیه راه سعادت و رستگاری بشر می‌باشد. انسان با سر سپردن و اطاعت از دستورات خداوند که از طریق کتب آسمانی و انبیائش برای بشر فرستاده است، نفس خود را از آلودگی‌های شیطانی و اخلاق ذمیمه پیراسته نموده و در مسیر عبودیت و بندگی خدای متعال موفق و سعادتمند خواهد شد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Introduction

One of the most critical challenges confronting human societies across all educational dimensions is the prevalence of moral disorder, which undermines the foundation of social life. As emphasized by Mesbah Yazdi, moral decline contributes significantly to the destabilization of communities by disrupting their economic, legal, and political systems (Mesbah Yazdi, 2022). In this regard, Islamic teachings place considerable emphasis on morality, viewing it as a cornerstone of personal and social well-being. Within this moral framework, *ḥusn al-khuluq* (good morality) is particularly significant. The Qur'an identifies the Prophet Muhammad's gentleness and good character as key to his success in winning people's hearts (Qur'an, Quran Surah Al Imran 3:159), while also praising him as being “upon an exalted

^۲ سوره شمس/ آیه ۹ و ۱۰

^۳ سوره آل عمران/ آیه ۱۶۴

^۱ - قَبَمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَئِنْ لَمْ يَكُنْ لَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِظَ الْقَلْبُ لَانْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ- به سبب رحمت خداست که نسبت به آنان مهربانی می‌کنی و اگر تندخو و سنگدل بودی از اطراف تو پراکنده می‌شدند پس آنان را ببخش و برایشان آموزش بخواه و امر را به آنان نشان ده. آل عمران سوره ۳/ آیه ۱۵۹

enemies, one must speak gently, as illustrated in the instruction given to Moses and Aaron when addressing Pharaoh (Quran Surah Ta-Ha 20:43–44), underscoring the transformative power of kindness (Makarim Shirazi, 1998).

Given the profound educational implications of morality, the present study aimed to develop an Islamic model of good morality (*husn al-khuluq*) based on the verses of the Qur'an, and to extract the pedagogical principles, methods, and content embedded within this model. As noted by A'Rafi, religious education in Islam seeks to guide human emotions, attitudes, and behaviors in bodily, cognitive, affective, and behavioral dimensions (A'Rafi, 2008). Similarly, Beheshti describes Islamic upbringing as a process of fostering God-centered thoughts and actions across relationships with God, self, others, and the world to attain divine proximity (Beheshti, 2002). This study, therefore, integrates conceptual analysis, grounded theory, and inferential analysis to uncover the Qur'anic conceptualization of good morality and its educational implications.

Methods and Materials

This study applied a text-based grounded theory methodology to explore Qur'anic and Hadith sources on *husn al-khuluq*. Initially, conceptual analysis was conducted to identify all verses and narrations related to good morality. Two core exploratory questions guided the analysis: (1) What is the nature of good morality as depicted in the Qur'an? and (2) What are its stages and processes in Islamic sources? Data were collected through theoretical sampling from Islamic texts until theoretical saturation was achieved.

The data analysis proceeded through open, axial, and selective coding to classify the conceptual elements. Categories emerging from the coding were then analyzed inferentially to derive educational principles, methods, and content. The final stage involved synthesizing these findings into a comprehensive conceptual model of Islamic good morality, which links its causal factors, contextual conditions, intervening variables,

strategies, and outcomes to specific educational implications.

Findings

The analysis revealed five major groups of causal and contextual constructs underpinning *husn al-khuluq*: causal factors, contextual conditions, intervening conditions, strategies, and outcomes. The causal factors include divine mercy, belief in God and the Resurrection, the criterion of perfection, spiritual health, major moral virtues, wisdom, exhortation, teaching and purification, seeking forgiveness, honoring and altruism, and justice. These were seen as foundational enablers of moral character formation.

The contextual conditions shaping good morality included good-temperedness, generosity, habitual kindness, pleasant speech, respectful interaction even with adversaries, avoidance of disputes, anger control, patience, justice, altruism, forgiveness, affection, and humility. Intervening conditions comprised good conduct, benevolent speech, tolerance toward the weak, social conformity, patience, anger control, forgiveness, humility, and seeking forgiveness.

Strategies for cultivating good morality included generosity, pleasant behavior, refraining from quarrels, anger regulation, cheerfulness, virtue-orientation, teaching and purification, honoring and altruism, justice, forgiveness, and kindness. These strategies directly draw on Qur'anic exhortations and Prophetic practices.

The consequences of good morality were found to include human perfection, self-purification, attracting people to religion, transforming enmity into friendship, defeating satanic influences, and attaining divine mercy and multiplied rewards. These outcomes highlight the spiritual and social fruits of moral cultivation.

Finally, through inferential analysis, eight key educational principles underlying good morality were derived: divine mercy, divine affection, divine justice, God's hearing and seeing, faith and righteous deeds, striving for perfection, human dignity, and belief in the Resurrection. Each principle was linked to specific normative,

descriptive, and prescriptive educational propositions and to corresponding pedagogical methods such as forgiveness, compassion, justice, humility, moral self-discipline, and social kindness.

Discussion and Conclusion

This study set out to construct a comprehensive Islamic model of *husn al-khuluq* rooted in Qur'anic teachings and to elucidate its educational implications. The model integrates theological, ethical, and pedagogical dimensions, demonstrating that good morality is not an isolated virtue but a holistic construct grounded in fundamental beliefs about God, humanity, and the purpose of life. By linking causal factors such as divine mercy and justice to behavioral strategies like generosity and anger control, the model shows how spiritual principles can be operationalized into educational practice.

The findings affirm that morality in Islam is deeply theocentric: ethical behavior arises from awareness of God's mercy, justice, and omnipresence, and from belief in accountability in the afterlife. These theological convictions shape emotional and behavioral dispositions conducive to good morality, such as patience, kindness, and humility. They also prevent moral lapses driven by egoism, pride, or materialism. Moreover, viewing all humans as equal before God fosters respect and compassion, which are crucial to harmonious social life. By grounding moral education in these immutable theological principles, the model provides a stable framework resilient to shifting cultural norms.

Pedagogically, the study underscores the need to integrate moral education into all domains of human development—cognitive, affective, and behavioral—through methods like modeling, habituation, exhortation, and reflective practice. The model's principles can guide curriculum design, teacher training, and ethical leadership programs within Islamic educational systems. For example, instilling awareness of God's hearing and seeing can cultivate moral self-regulation, while

fostering belief in the Resurrection can promote long-term ethical accountability.

In conclusion, this research offers a systematic Qur'anic model of *husn al-khuluq* that aligns spiritual beliefs, moral virtues, and educational strategies into a unified framework. It highlights the pivotal role of good morality in achieving both personal perfection and social harmony, illustrating how Qur'anic ethics can inform contemporary educational practice. By embedding morality at the heart of education, this model seeks to address the root causes of moral decline and to nurture generations characterized by compassion, justice, humility, and spiritual excellence.

References

- A'Rafi, A. (2008). *Fiqh-e Tarbiyati (Educational Jurisprudence)* (Vol. 1). Hawzah and University Research Institute.
- Bagheri, K. (2008). *Negah-e Dobareh be Tarbiyat-e Eslami (A Second Look at Islamic Education)* (Vol. 1 & 2). Madreseh.
- Bahrani, S. H. (1995). *Al-Burhan fi Tafsir al-Quran* (Vol. 1). Be'that Foundation.
- Beheshti, M. (2002). *Akhlaq va Tarbiyat-e Akhlaghi (Ethics and Moral Education)*. Ma'aref(10).
- Deylami, S. H. (1991). *Irshad al-Qulub ila al-Sawab* (Vol. 1). Sharif Razi.
- Fakhr al-Din al-Razi, A. A. M. i. U. (1999). *Tafsir Mafatih al-Ghayb* (Vol. 30). Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi.
- Feyz Kashani, M. (2004). *Al-Mahajjat al-Bayda fi Tahdhib al-Ihya'*. Jame'eh-ye Modarresin-e Qom.
- Hosseini, S. J. f. S. (2006). *Asalib al-Ma'ani fi al-Quran*. Bustan-e Ketab.
- Hurr Amili, M. i. H. (2003). *Wasa'il al-Shi'ah*. Al al-Bayt Institute.
- Ibn Manzur, M. i. M. (1993). *Lisan al-Arab* (Vol. 10). Dar Sadir.
- Javadi Amoli, A. (1993). *Shari'at dar Ayineh-ye Ma'refat (Sharia in the Mirror of Gnosis)*. Raj'a Cultural Publishing Center.
- Kulayni, M. i. Y. q. i. I. (1986). *Al-Kafi* (Vol. 8). Dar al-Kutub al-Islamiya.
- Majlisi, M. B. (2025). *Bihar al-Anwar*. Dar al-Kutub al-Islamiya Publications.
- Makarim Shirazi, N. (1998). *Akhlaq dar Quran (Ethics in the Quran)* (Vol. 3). Madrasat al-Imam Ali ibn Abi Talib (a.s.).

- Mazandarani, M. S. (2003). *Sharh al-Kafi* (Vol. 8). Al-Maktabat al-Islamiya.
- Mesbah Yazdi, M. T. (2022). *Jame'eh va Tarikh az Negah-e Quran (Society and History from the Perspective of the Quran)*. Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications.
- Naraq, M. (2015). *Tarjomeh-ye Matn-e Kamel-e Jame' al-Sa'adat (Translation of the Complete Text of Jame' al-Sa'adat)* (Vol. 1). Ghaem Al-e Ali.
- Naraq, M. M. M. (1998). *Elm-e Akhlaq-e Eslami (Islamic Ethics, Translation of Jame' al-Sa'adat)* (Vol. 1). Hekmat Publications.
- Raghib Isfahani, M. i. H. (1983). *Al-Mufradat fi Alfaz al-Quran al-Karim*.
- Shokouhi, G. (1988). *Ta'lim va Tarbiyat va Marahil-e An (Education and its Stages)*. Astan Quds Razavi.
- Tabarsi Farahani, F. i. H. (2003). *Makarim al-Akhlaq*.
- Tabataba'i, S. M. H. (1995). *Tafsir al-Mizan*. Jame'eh-ye Hawzeh-ye Elmiyeh-ye Qom.
- Warram ibn Abi Firras, M. u. i. I. (1989). *Majmu'at Warram* (Vol. 1). Maktabat Faqih.